

"مشی توده" چیست؟-۱

برای یک مبارزه جدی

## باید نبض جامعه را با تحلیل دقیق، لحظه به لحظه گرفت!

ایرج اسکندری

دهه ۱۳۵۰ که هنوز به پایان نرسیده، رژیم شاه در آن سقوط کرد، اوج اقتداری بود که ارتش شاهنشاهی و سازمان اطلاعات و امنیت شاه "ساواک" بر سر کشور مستقر کرده و خود را رژیم "روئین تن" فرض کرده بود. در نیمه نخست همین دهه، نسلی از جان برکفان، که به امید پیشتازی انقلاب با ترور و انفجار به میدان آمده بودند تا به زعم خویش کارگران و زحمتکشان و مردم را بیدار کنند، قربانی شدند بی آن که توانسته باشند جنگی پارتیزانی را به سبک کوبا در ایران برانگیزند.

شرح این فاجعه و پایه های معیوب ثنوریکی که انسان های شریف و جانبازی نظیر احمدزاده و پویان و حتی بیژن جزنی برای آن بنا کرده بودند، خود فصل دردناکی از تاریخ جنبش چپ و انقلابی ایران است، که در این مقدمه نمی گنجد. این مقدمه با هدف معرفی یکی از شیواترین، علمی ترین و دقیق ترین مقالاتی است که حزب توده ایران در تحلیل جنبش انقلابی ایران و ماهیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن به قلم زنده یاد ایرج اسکندری دبیر اول وقت حزب توده ایران منتشر کرد. این مقاله با هدف معرفی و توضیح کارپایه های طرح برنامه جدید حزب توده ایران نوشته و منتشر شد. حزب توده ایران در همان اوج اقتداری که شاه برای خود فرض کرده بود، طرح برنامه ای نوین را با یقین به رفتن جامعه به سوی یک جنبش انقلابی تدوین و برای نظر خواهی منتشر کرد. این طرح پس از نزدیک به دو سال نظرسنجی در سازمان های حزبی، سرانجام به تصویب کمیته مرکزی حزب توده ایران رسید و مقاله ایرج اسکندری در توضیح و تشریح همین طرح برنامه برای آگاهی توده ایها و جنبش چپ و انقلابی ایران است.

هیچ نیروی سیاسی- اعم از مذهبی و غیر مذهبی- در تاریخی که این طرح برنامه و این مقاله منتشر شد، سقوط شاه را حتی به ذهن خویش راه نمی داد. در چنین فضائی حزب توده ایران رژیم شاه را در سراشیبهی سقوط ارزیابی کرده و طرح برنامه ای را بعنوان مرحله ملی-دمکراتیک انقلاب ایران انتشار داد. از دل این طرح برنامه شعار "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" بیرون آمد و همانگونه که به قلم اسکندری بعنوان یک شیوه مارکسیستی و علمی می خوانید، گام به گام، با اوج گیری شرایط انقلابی و تغییر شرایط اجتماعی، این شعار نیز تغییر کرد و سرانجام به شعار "قیام مسلحانه" علیه رژیم شاه ختم شد.

گرهی ترین و دقیق ترین و علمی ترین بحث در این مقاله زنده یاد اسکندری، که بارها کیانوری توصیه می کرد آن را بعنوان یک مقاله بالینی باید هر چند گاه یکبار خواند و آموخت، درک لحظه به لحظه شرایط متغیر اجتماعی، تعیین سیاست و خط مشی براساس شرایط نوین و جسارت انتخاب تاکتیک های متناسب با تغییرات است. یعنی همان نکته بسیار مهمی که امروز نیز برای شناخت جامعه ایران و اتخاذ شعار و تاکتیک متناسب با شرایطی که ایران در آن بسر می برد، گریز ناپذیر است. گریز ناپذیر است برای توده ایها و آنهایی که می خواهند علمی و مارکسیستی جامعه را ببینند، والا حرف های بی پروایه زیاد می توان زد و نوشت و گفت.

این که آن طرح برنامه مربوط به چند دهه گذشته است، این که مربوط به دوران شاه است و هر بهانه دیگری در این زمینه که هدفی را جز گریز از قبول متد بازبینی جامعه همراه ندارد، برای یک حزب و سازمان و شخصیت سیاسی جدی در جبهه چپ دنبال نمی کند. در این مقاله، نه دوران شاه، بلکه متد شناخت هر دوران مطرح است. جان کلام اینجاست! و به نسل جدیدی که در ایران، با علاقمندی پا به میدان گذاشته و فانوس بدست، بدنبال هموارترین راه می گردد، قطعا و حتما توصیه می کنیم، این مقاله را بارها و بارها بخوانند و درباره متد و شیوه نگرش آن بحث و تبادل نظر کنند.

ما این مقاله بلند که در شماره اول مجله دنیا سال ۱۳۵۲ منتشر شده را، به چند بخش تقسیم کرده ایم، که در این شماره بخش نخست آن را می خوانید. در شماره های آینده راه توده، بخش های دیگر آن را منتشر خواهیم کرد و سپس همه آن را یکجا و بعنوان اثری که باید آن را "بالینی" تلقی کرد روی سایت راه توده قرار می دهیم. بازخوانی دقیق این مقاله یک حسن بسیار مهم دیگر نیز دارد، و آن شناخت دقیق تر "مشی توده ای" است که ما پیوسته در راه توده روی آن تاکید کرده ایم.

**اینک بخش اول:**

## طرح برنامه نوین و پایه های علمی خط مشی حزب توده ایران

### ۱- پیشگفتار در باره طرح برنامه نوین حزب توده ایران

طرح برنامه نوین حزب توده ایران تحقیقا مهمترین سند سیاسی است که تا کنون از جانب حزب ما انتشار یافته است.

این طرح نه تنها از آن جهت دارای اهمیت است که جهان بینی و اصول مرامی حزب توده ایران، مشخصات جامعه کنونی ایران، مرحله انقلاب کشور ما و هدف های غائی حزب را تصریح میکند، بلکه از آن جهت نیز واجد اهمیت است که برای نخستین بار در تاریخ حزب ما وظایف مبرم و شیوه های عمل حزب را در شرایط کنونی مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع، در پیوند با هدف های دورتر مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک یکجا مطرح می سازد.

بدینسان در طرح برنامه نوین این کوشش بعمل آمده است که سیاست حزب توده ایران در مجموع خود عرضه شود، تا بتوان از یکسو تفاوت هایی را که بین هدف های دور و نزدیک یا به عبارت دیگر میان آماج های استراتژیک و خواست ها و وظایف مبرم تاکتیکی وجود دارد به درستی درک نمود و از سوی دیگر به ارتباط ناگسستگی، به پیوند دیالکتیکی ما بین هر یک از عناصر تشکیل دهنده این خط مشی و وحدت ارگانیکی که بین اجزاء این سیاست وجود دارد پی برد.

یک مراجعه عمومی به طرح برنامه نوین اسلوبی را که در تنظیم بخش های مختلفه آن بکار رفته است روشن می سازد.

در واقع بخش های پنجگانه طرح برنامه نوین حزب بنحوی تنظیم شده است که مسائل مطروحه در هر یک از بخش های آن منطقا از فصل پیشین انتزاعی می شود و بدینسان وحدت ذاتی مجموع برنامه ضمن پیوستگی منطقی فصول مختلفه آن عیان می گردد.

بدیهی است بدون اتکاء به جهان بینی و تئوری علمی مارکسیسم- لنینیسم نمی توان به شناخت قوانین تکامل جامعه و بویژه قوانین ناظر به مبارزه طبقاتی، چه در درون کشور و چه در مقیاس بین المللی، دست یافت و بدون تحلیل واقعیت اوضاع جامعه بر اساس قوانین عام این دانش انقلابی طبقه کارگر، کشف تضادهای اصلی و فرعی جامعه و عمده ترین آنها، تشخیص مرحله انقلاب، تعیین هدف های غائی جنبش و انتزاع وظایف دور و نزدیک مرحله انقلاب امکان پذیر نیست.

وضع اجتماعی- اقتصادی یک کشور در مرحله تاریخی معین، مواضع طبقات، قشرها، دولت و افراد در این جامعه و همچنین جنبش ها و برخوردهائی که از تصادم منافع و مواضع مختلفه ناشی می گردد و نیز شرایط داخلی و بین المللی ویژه ای که در درون آن مبارزات توده های مردم انجام میگیرد، از تدابیر عملی انقلابی که امری آگاهانه و طبق نقشه است و به منظور نیل به هدف های مشخص از طرف نیروی آگاه پرلتاریا و حزبی که مظهر آن است مورد طرح و عمل قرار میگیرد، ذاتا جداست. زیرا گروه اول شامل آن پدیده هائی می گردد که مستقل از عامل ذهنی جنبش به وقوع می پیوندند و واقعیت عینی و خارجی را تشکیل میدهند، در صورتی که گروه دوم شامل وظایف و تدابیری است که جهت ذهنی جنبش را، که خود نیز انعکاسی از پروسه های واقعی است، برای پیشبرد هدف های انقلابی طبقه کارگر در هر یک از مراحل مختلفه انقلاب به طور مشخص مطرح می سازد.

در حقیقت مطالعه در باره وضع جامعه و تحلیل و شناخت شرایط عینی جنبش مربوط به تئوری عام مارکسیسم- لنینیسم و اصول مرامی طبقه کارگر است و به همین سبب از حیثه مسائل خاصی که در سیاست حزب (استراتژی و تاکتیک) مطرح می گردد خارج است. ولی جهت آگاهانه جنبش، که استراتژی و تاکتیک حزب طبقه کارگر جزئی از آن است، به هنگام طرح و اجراء نقشه های عمل ناگزیر باید محاسبات خود را متکی بر مطالعه و تحلیل واقعیات عینی کند و بر پایه این مطالعات طرحهای لازمه را برای عمل انقلابی و پیشرفت نهضت تنظیم نماید.

شناخت این تفاوت ذاتی میان دو بخش اساسی برنامه حزب طبقه کارگر از یک سو و توجه به پیوند ناگسستنی میان آنها از سوی دیگر نخستین شرط درک صحیح وظایفی است که در برابر مبارزان راه طبقه کارگر قرار دارد.

بدون مطالعه و **تحلیل دقیق** از وضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و اطلاع از آرایش طبقاتی در هر یک از مراحل انقلاب و در هر موقعیت مشخص، حزب طبقه کارگر قادر به تمیز دوستان و دشمنان خلق، متحدین اصلی، فرعی و اجتماعی در نبرد علیه دشمن طبقاتی نخواهد بود و بالنتیجه امکان اینکه **سیاست دور و نزدیک** خویش، فعالیت و شیوه های مبارزه متعلق با آنرا به درستی تعیین و تنظیم نماید، نخواهد یافت. این حقیقت را لنین چنین بیان کرده است:

"تنها مطالعه عینی مجموعه مناسبات همه طبقات، بدون استثناء، در یک جامعه معین و بالنتیجه شناخت درجه واقعی رشد جامعه مزبور و روابط متقابل آن با جوامع دیگر، می تواند پایه تاکتیک صحیح طبقه پیشاهنگ قرار گیرد. بعلاوه همه طبقات و همه کشورها باید از لحاظ دینامیک، نه از جنبه استاتیک، یعنی نه در وضع سکون بلکه در حال حرکتشان، مورد توجه قرار گیرند (حرکتی که قوانینش از شرایط زندگی هر طبقه ناشی می گردد)."

بنابر مقدمات فوق روشن است که چرا طرح برنامه نوین حزب توده ایران دارای یک بخش مرامی و یک بخش تحلیلی است و از چه لحاظ این دو بخش بر فصول سه گانه بعدی (مربوط به تحول بنیادی جامعه، وظایف مبرم در شرایط کنونی و شیوه عمل حزب در شرایط کنونی) تقدم یافته اند. در حالیکه بخش مرامی ریشه ای و بنیادی است و چون از ماهیت

طبقاتی حزب و از جهان بینی علمی و تئوری انقلابی طبقه کارگر - مارکسیسم- لنینیسم- سرچشمه می گیرد از لحاظ زمانی لااقل تا ساختمان قطعی جامعه بی طبقه کمونیستی و انحلال دولت استوار و پابرجاست، بخش تحلیلی آن، که خود بر پایه این جهان بینی علمی قرار گرفته، منطقاً برحسب تغییراتی که در شرایط ایران و جهان خواهد داد تغییر پذیر است. از مطالعه و تحلیل مختصات جامعه و شرایط درونی و بین المللی مبارزه طبقاتی که بر پایه جهان بینی علمی مارکسیسم- لنینیسم انجام می گیرد، بخش مربوط به خط مشی حزب انتزاع می شود. بخش مزبور، که خود برحسب دوری و نزدیکی هدف ها و ویژگی مشخص وظایف به دو جزء استراتژیکی و تاکتیکی تقسیم می گردد، ضرورتاً از لحاظ زمانی محدود و لذا تغییر پذیر است. از میان اجزاء خط مشی سیاسی حزب نقش عمده را سیاست دورنمائی یا استراتژیک ایفا می کند، زیرا اولاً تعیین کننده پایه و جهت اساسی فعالیت حزب در تمام طول یک مرحله تاریخی است و ثانیاً پیروزی انقلاب اجتماعی و انجام هدف های این مرحله پا برجا و استوار است. در صورتیکه هدف های تاکتیکی ناظر به وظایف فوری و میرم مبارزه انقلابی در دوره مشخصی از این مرحله تاریخی هستند و به منظور راهگشائی برای نیل به آن هدف ها تنظیم یافته اند. بنابراین بخودی خود و به تنهایی اصالت ندارند، زیرا مطلقاً تابع هدف های استراتژیک هستند و لذا برحسب شرایط دوره های مبارزه، اوج و فروکش نهضت انقلابی، انجام کامل وظیفه تعیین یافته و یا منتفی شدن آن، بر اساس ضابطه کمک به آماج های استراتژیک و هموار ساختن راه نیل به آنها تغییر پذیرند.

بدیهی است شیوه های عمل، که خود جزئی از تاکتیک به شمار می روند، به نوبه خود تابعی از آنها و چون به منزله راهنمای فعالیت حزب برای شرایط مشخصی تنظیم یافته اند، به مجرد تغییر آن شرایط ناگزیر باید جای خود را به رهنمودهای دیگر بدهند.

بدینسان ملاحظه میشود که طرح برنامه نوین حزب توده ایران با اسلوبی منطقی و انسجامی علمی تنظیم یافته است.

ولی برنامه حزب طبقه کارگر، تنها با صحت اسلوبی که برای تنظیم آن بکار رفته است، ارزیابی نمیشود. درستی مواضع سیاسی، هدف ها و وظایفی که برای مجموع فعالیت انقلابی تعیین گردیده است، یا به عبارت دیگر خط مشی سیاسی اختیار شده، در این ارزیابی نقش مقدم ایفا می کند. تنها ضابطه اساسی برای تشخیص درستی و دقت خط مشی حزب طبقه کارگر عبارت است از بررسی چگونگی انطباق یافتن اصول جهان بینی علمی مارکسیسم- لنینیسم بر شرایط ویژه جامعه مشخص، بر پایه دینامیسم مبارزه طبقاتی چه در درون کشور و چه در مقیاس بین المللی.